

درجه

- در کتک‌ور سال ۱۳۷۷ جزء رتبه‌های اول شدم و رشته حقوق دانشگاه تهران را انتخاب کردم. پس از شش ماه در دو نهاد بورسیه شدم، اولی دانشگاه وزارت اطلاعات (امام باقر) در رشته ضدجاسوسی و دوم هم دانشکده علوم قضائی. از تحصیل در دانشکده وزارت اطلاعات منصرف شدم، چون هم‌زمان شد با دستگیری سعید امامی و مصطفی کاظمی به اتهام پرونده قتل‌های زنجیره‌ای که از هم‌محلی‌ها و هم‌استانی‌های ما بود.سعید امامی سفارش قبولی مرا به صورت تلفنی در دانشکده وزارت اطلاعات کرده بود.
- در ۱۸ تیر ۷۸ من از افرادی بودم که با دانشجویان دانشگاه تهران مقابله کردم. در ۲۱ تیر آن سال علیه دانشجویان اغتشاش‌گر فعالیت می‌کردم.
- قاضی مرتضوی به لحاظ فکری و روحی هم‌تپ فکری‌ام بود. حتی در دوران دانشجویی هم عکس قاضی مرتضوی را بالای تخت چسبانه بودم.
- هدف اولیه استفاده از کهریزک برای متهمان پرونده محله خاک سفید تهران بود. بعدها تغییر برنامه ایجاد شد که مربوط به دوره اجرای طرح امنیت اجتماعی به‌عنوان یک طرح ملی بود.
- تمام نهادهای امنیتی، ضابط قضائی هستند و گزارش آنها در صورتی مبنا واقع می‌شود که مورد توثیق قاضی باشد.
- ادعاهای اقارار تحت فشار تاکتیک معمول همه متهمان است اما اگر دلایلی بود چون در برابر وجدان خود مسئول بودم، می‌پذیرفتم و بارها سر همین موضوع با کارشناس مربوطه به اختلاف خوردیم و متهم را برخلاف نظر کارشناس اطلاعاتی آزاد کردم چون احساس می‌کردم به او احجاج شده است.
- در ۲۴ خرداد ۸۸ درگیری‌ها شروع شد و حکم دستگیری بسیاری از فعالان سیاسی را بنا بر درخواست مراجع امنیتی صادر کردیم. چون به‌جای آرام‌کردن فضا با صدور بیانیه سعی در تشکیک در نتیجه انتخابات و دعوت مردم به اردوگشی خیابانی کردیم.
- اصلاح‌طلبان دنبال جریان‌سازی بودند و نهادهای اطلاعاتی ایران عملکرد این افراد را قبل از انتخابات رصد می‌کردند. از جمله همین افراد تأثیرگذار آقای تاج‌زاده بود که در سخنرانی‌های رسمی خود به نهادهای حاکمیتی حمله و آنها را تخطئه می‌کرد.
- می‌توانم بگویم تنها حکم بازداشت قبل از انتخابات که آقای مرتضوی داده بود، حکم دستگیری عام خطاب به نیروی انتظامی بود.
- اعضای ستاد قیطره به علت اقدامات مخرب عبدالله رمضان‌زاده بازداشت شدند.
- رمضان‌زاده اقرار تحت فشار افراد مشکوک و مخل امنیتی در داخل آن ستاد کرده بود و دست به تحریکات امنیتی زده بود.
- در تمام طول سال ۸۸ که مسئولیت قضائی داشتم، متهمان بازداشت‌شده توسط اطلاعات ناجا، اطلاعات سپاه یا وزارت اطلاعات را بازجویی می‌کردم و به هیچ متهمی توهین نکردم و برخورد توأم با خشونت نداشتم.
- سال ۸۸ پس از سخنرانی ۲۳ خرداد احمدی‌نژاد، افراد غیر دانشجو در دانشگاه تهران تجمع و با سواستفاده از وضعیت خوابگاه اقدام به طرح شعارهای ضدنظام و کتک‌کاری چند نفر از پرسنل ناجا کرده بودند. در همین اثنا افرادی که پس از سخنرانی احمدی‌نژاد به سمت دانشگاه تهران می‌آمدند و عده‌ای از پرسنل ناجا در اثر تحریک انجام‌شده توسط افراد دانشجوینامی داخل دانشگاه تهران با هدف آزادی سربازان در حال کتک خوردن به داخل دانشگاه هجوم بردند اما متهمان اصلی متواری و متأسفانه حدود یکصد نفر از دانشجویان که در خوابگاه مشغول مطالعه بودند و عموماً هم شهرستانی بودند به اشتباه کتک خوردند و دستگیر شدند.
- افراد غیر دانشجو چگونه وارد دانشگاه شده بودند؟ مگر می‌شود؟**

ند! درواقع منی بر اینکه در صورت مشاهده

اقدامات مخرب و ضدامنیتی در مقابل ستادهای انتخاباتی و مراکز رای‌گیری با توجه به مشهودبودن جرم، ضابطین به وظیفه خود عمل کنند.

آ این یعنی حکم سفیدامضا؟

نه، کلی است. در همه انتخابات‌ها معمول است و به مأموران اختیار می‌دهند اگر کسی تجمع کرد طبق قانون عمل کنند.

آ همان حکم سفید امضاست؟

خیر! اصلاً وجود ندارد.

آ فعالان ستاد مهندس موسوی در ستاد قیطره چرا بازداشت شدند؟

اعضای ستاد قیطره به علت اقدامات مخرب عبدالله رمضان‌زاده بازداشت شدند.

آ کدام اقدامات؟

رمضان‌زاده اقدام به جمع‌آوری افراد مشکوک و مخل امنیت در داخل آن ستاد کرده بود و دست به تحریکات امنیتی زده بود.

آ مثلاً چه تحریکاتی؟

از جمله طرح شعارهای تشکیک در سلامت انتخابات که اطلاعات ناجا خواستار بازرسی از آن محل شد. آقای رمضان‌زاده مقاومت کرد و پس از برخورد فیزیکی، ایشان دستگیر و محل هم بازرسی شد.

آ چرا پرونده افرادی چون تاج‌زاده، بهزاد نبوی، رمضان‌زاده و… در اختیار وزارت قرار نگرفت؟

زیرا افراد شاخصی که قبل از انتخابات از طریق سخنرانی، جلسه، محافل خصوصی یا ارتباط با خارج کشور درصدد اقدامات ضدامنیتی در دوره انتخابات بودند، بنا بر صلاحیت‌های ذاتی و اختیارات قانونی توسط سازمان اطلاعات سپاه رصد می‌شدند و پس از انتخابات وقتی که برخورد‌ها ضرورت یافت به دلیل سابقه تحقیقات قبلی در سازمان اطلاعات سپاه بازداشت‌ها توسط آن نهاد صورت گرفت.

آ سابقه تحقیقات قبلی یعنی چه؟

کلیه اقدامات اطلاعاتی و رصد‌های امنیتی.

آ برویم سراغ پرونده معروف کهریزک که شما قاضی آن بودید. از کهریزک بگویم…

بنده طبق گزارش سازمان بازرسی کشور که در پرونده کهریزک ضمیمه است، پس از بررسی دوهزار و ۷۰۰ پرونده که به‌طور مشخص توسط بنده رسیدگی شده بود تأیید شد که ۸۰ درصد آنها پس از چند روز دستگیری و پالایش امنیتی با قرار کفالت، کمتر از بیست درصد با وثیقه و مابقی که متهمان امنیتی بودند، بازداشت موقت شدند. در تمام طول سال ۸۸ که مسئولیت قضائی داشتم، متهمان بازداشت‌شده توسط اطلاعات ناجا، اطلاعات سپاه یا وزارت اطلاعات را بازجویی می‌کردم و به هیچ متهمی توهین نکردم و برخورد توأم با خشونت نداشتم. کرامت انسانی آنها را رعایت می‌کردم و همواره سعی داشتم با ارشاد متهمان آنها را قانع و به عدم تکرار اقدامات خود مجاب کنم.

آ ظاهراً قبل از کهریزک هم سابقه صدور دستور بازداشت دسته‌جمعی را داشته‌اید؛ مثلاً در دانشگاه تهران.

سال ۸۸ پس از سخنرانی ۲۳ خرداد احمدی‌نژاد، افراد غیر دانشجو در دانشگاه تهران تجمع و با سواستفاده از وضعیت خوابگاه اقدام به طرح شعارهای ضدنظام و کتک‌کاری چند نفر از پرسنل ناجا کرده بودند. در همین اثنا افرادی که پس از سخنرانی احمدی‌نژاد به سمت دانشگاه تهران می‌آمدند و عده‌ای از پرسنل ناجا در اثر تحریک انجام‌شده توسط افراد دانشجوینامی داخل دانشگاه تهران با هدف آزادی سربازان در حال کتک خوردن به داخل دانشگاه هجوم بردند اما متهمان اصلی متواری و متأسفانه حدود یکصد نفر از دانشجویان که در خوابگاه مشغول مطالعه بودند و عموماً هم شهرستانی بودند به اشتباه کتک خوردند و دستگیر شدند.

آ افراد غیر دانشجو چگونه وارد دانشگاه شده بودند؟ مگر می‌شود؟

نمی‌دانم اما دانشجویان دستگیرشده که وضعیت بغرنجی داشتند به آگاهی شاپور منتقل شدند. بنده ساعت ۱۷ همان روز آنجا حاضر شدم آقای [علیرضا] زاکانی و دکتر [فرهاد] رهبر هم آمدند. با بررسی وضعیت ظاهر دانشجویان متوجه شدم آنها دخالتی در درگیری نداشتند.

آ چطور از ظاهر آنها متوجه شدید؟

همه شهرستانی بودند و با لباس باز داشت‌شده بودند و در خوابگاه مشغول مطالعه یا آشپزی بودند. آقای زاکانی تقاضای رسیدگی به وضعیت آنها را داشت و آقای رهبر هم برای وساطت آمده بود.

آ در نهایت با آنها چه برخوردی شد؟

بنده حدود ۱۰ دقیقه برای دانشجویان سخنرانی کردم و گفتم شما اشتباهی دستگیر شده‌اید و من عذرخواهی می‌کنم. توضیح دادم آقای رهبر هم حضور دارند و با توجه به وساطت ایشان و حضور آقای زاکانی همه شما آزاد می‌شوید.

همه هم خنوبن بودند. برای آنکه با آن وضع به خوابگاه روند و علیه نظام تبلیغ نشود، برای همه اتلباس، آب معدنی و ساندویچ کالباس خریدیم. همه لباس‌ها تک‌پاره بود. آب و غذا دادیم و با دو اتوبوس، از زیر قرآن آنها را رد کردیم.

آ به همین راحتی؟

بله. البته پس از آنکه اوراق بازجویی را تکمیل و مشخصات آنها پر شده بود. برای حفظ آبروی نظام از همه آنها خواشش کردم به هیچ کسی چیزی نگویند.

آ البته قبلی که از آن غائله پخش شد، نشان می‌داد عده‌ای از دانشجویان توسط برخی عوامل و لباس شخصی‌ها به‌شدت کتک می‌خوردن.

مردم دانشجویان را زده بودند و هیچ‌کدام از عوامل ناجا و بسیج دخالت نداشتند.

آ پس فیلم چه می‌گوید؟

پس از این قضیه حفاظت اطلاعات سپاه چهار نفر از مسئولان پایگاه‌های بسیج اطراف دانشگاه تهران را بازداشت کرد. من همه آنها را یک شب بازداشت کردم و پس از تحقیق متوجه شدم بی گناه هستند و آنها را آزاد کردم.

آ با تخم‌های بازداشت‌شده در سال ۸۸ چگونه رفتار می‌شد؟

زنانی که در طول اغتشاشات بازداشت شده بودند را آزاد کردم. چون به من اعتماد داشتند بازجویی و تحقیق از آنها برعهده من بود. آنهایی را که کتک‌ور داشتند به درخواست آقای آوایی طرف یک شب بدون ضمانت در شب کتک‌ور آزاد کردم که حدود ۶۰ خانم بودند. جناب آقای آوایی در طول ایام اغتشاشات همواره تأیید و اصرار داشتند حقوق شهروندی دستگیرشدگان رعایت شود. ندغغه رعایت حقوق متهمان را به‌صورت جدی داشتند و پیگیر این امر بود.

آ ظاهراً روزهای پرکاری داشتید…

راستش سخت‌ترین روز کاری‌ام ۲۹ خرداد سال ۸۸ بود که تا فردای آن هزاروصد نفر بازداشت شدند که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر را به‌تتهایی آزاد کردم و ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر را با صدور قرار، بازداشت کردم که در اوین، بازداشتگاه پلیس پیشگیری و چند بازداشتگاه امنیتی دیگر که نمی‌توانم بگویم، نگهداری می‌شدند.

آ کسی بود که حاشیه امنیت داشته باشد و بازداشت نشود؟

بله؛ براساس توافقی که با قاضی مرتضوی داشتم و شرطی که برایش گذاشته بودم، در دوران دستگیری‌های سال ۸۸ هیچ فرزند شهیدی را بازداشت نکردم.

آ برگردیم به پرونده کهریزک، درباره شروع و منشأ بازداشت‌های تیر ۸۸ که منجر به بازداشت معترضان و انتقال گروهی از آنها به بازداشتگاه کهریزک شد، بگویند.

سیاست

اعزام به کهریزک دستور من بود



سه روز قبل از ۱۸ تیر ۸۸ هیچ اغتشاش ضدامنیتی در تهران نداشتیم، به بهانه آلودگی هوا تهران تعطیل بود و همه مسیرهای تهران به شمال برای تخلیه جمعیت یک‌طرفه شد. همه تدابیر امنیتی اعم از حضور پلیس، عملیات روانی صداسوسیم‌ا، مذاکره سیاسی در سطح نخبگان و… حول محور یک اصل بود و آن هم عدم تکرار مطلق اغتشاش.

آ چرا عدم تکرار مطلق اغتشاش این قدر اهمیت داشت؟

چون پس از یک ماه از زمان اغتشاشات تداوم آن باعث عمیق‌ترشدن لایه‌های این اقدامات ضدامنیتی و گسترش آن به لایه‌های دیگر بود و کشور را در آستانه یک چالش گسترده امنیتی قرار می‌داد.

آ به نظران تمهیدات دستگاه‌های امنیتی و حاکمیتی مؤثر افتاد؟

در طرف مقابل در طول یک هفته منتهی به ۱۸ تیر همه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی که به‌عنوان ستاد عملیات روانی فتنه عمل می‌کردند، تمرکز خود را بر انجام حتمی اغتشاش در ۱۸ تیر ۸۸ با هدف تکرار دوباره آن قرار داده بودند. مجاهدین خلق، ریح پهلوی، وزارت خارجه‌های اسرائیل و آمریکا و تمام معاندان در بیانیه‌هایی فراخوان حضور در ۱۸ تیر ۸۸ دادند و مردم را تحریک به حضور کردند. همه مسئولان امنیتی مانند وزیر اطلاعات، دادستان کل کشور، فرماندهان ناجا و سپاه و دادستان تهران و حتی رسانه‌ها ضمن روشنگری خواستار عدم تکرار اغتشاش در ۱۸ تیر بودند.

آ پس چرا در ۱۸ تیر ۸۸ آن حوادث روی داد؟

حدود ۳۰ هزار نفر از نیروهای امنیتی محوطه‌های قرمز و محیط‌های احتمالی را پوشش دادند، اما بعدازظهر آن روز گروهی که حدود چهار یا پنج هزار نفر مجزه به کوله‌پشتی، سنگ، چغیه، وسایل آتش‌زا برای مقابله با گاز اشک‌آور، دهان‌بند، وسایل فیلم‌برداری و بعضاً چوب یا سلاح سرد بودند، ظاهر شدند، آنها در خیابان‌های منتهی به دانشگاه تهران با نیروهای امنیتی درگیر شدند. شرایط پیرامونی دانشگاه تهران به شکلی بود که در آن ساعت‌ها هیچ‌گونه حرکت عادی از قبیل خانه همه یا خاله را توجیه نمی‌کرد و هرگونه حضور به معنای حمایت و حضور در اغتشاش بود که در نهایت درگیری ایجاد شد و ۱۲ مأمور ناجا مجروح و ۷۰۰ نفر دستگیر شدند.

نقض قرار منع تعقیب ما ناشی از هیچ‌گونه اعمال نفوذی نبوده، بلکه صرفاً یک قرار منع تعقیب با ناشی از درخواست تعیین‌تکلیف کردیم اعلام کرد «من محسن روح‌الامینی را احضار و درباره پرونده از او تحقیق می‌کنم». پاسخ دادم این سه نفر فوت کرده‌اند و تازه متوجه شد معترضان به این پرونده اولیای دم هستند و در نهایت با صدور یک دادنامه ۳۶ صفحه‌ای پر از الفاظ موهن و غیرحقوقی که بریده اخبار جراید بود، قرار منع تعقیب ما را نقض کرد و پرونده به شعبه ۷۶ کارکنان دولت ارجاع داده شد.

آ علت نقض قرار قبلی چه بود؟ اعمال نفوذ شده بود؟

نقض قرار منع تعقیب ما ناشی از هیچ‌گونه اعمال نفوذی نبوده، بلکه صرفاً متکی به بی‌تدبیری و ضعف دانش آقای آرمایش، رئیس شعبه ۱۰۶۰ کارکنان دولت بود که پس از صدور آن قرار هم فوری خود را بازخیز کرد.

آ پس از اظهار تأسف مقام معظم رهبری نسبت به بازداشتگاه کهریزک و حواشی آن شما که خود را مدافع حریم ولایت می‌دانید چه حسی داشتید؟

مجسداً تأکید می‌کنم قول، فعل و نظر مقام معظم رهبری در حکم قول

و فعل معصوم است و ایشان هرگونه نظر و تصمیمی که درباره این پرونده داشته باشند، به دیده منت می‌پذیریم، اما توجه کنید مقام معظم رهبری نگفتند متهمان پرونده را محکوم کنید، بلکه گفتند اگر کسی تخلف کرده به آن رسیدگی شود که همین‌طور هم شد و متهمان نظامی و قضائی پرونده کهریزک محاکمه و مجازات شدند.

آ خود را مقصر می‌دانید اما نمی‌دانم چرا حاضر به اعلام توبه نیستید.

بنده حکم صادرشده از دستگاه قضا را قبول دارم، چون به عدالت، استقلال و سلامت قوه قضائیه اعتقاد دارم. در واقع توبه به اینکده احکام قضائی فصل‌الخطاب است، صرف‌نظر از اینکه منطبق با حقیقت باشد یا نباشد باید مطیع قانون بود، اما بنده درباره پرونده کهریزک خود را بی‌گناه می‌دانم، اما به حکم قانون تمکین می‌کنم.

آ می‌خواهم بدانم رفتار خانواده کشته‌شدگان کهریزک با شما در طول روند رسیدگی به پرونده چگونه بود؟

بنده برای جلب رضایت خانواده روح‌الامینی دو نفر از سرداران سپاه و مسئولان سازمان اطلاعات سپاه را واسطه کردم.

آ واسطه‌ها چه کسانی بودند؟

آقای سردار مجید حسینی که آن زمان جانشین آقای ظائب در سازمان اطلاعات سپاه و سردار رحیمی، معاون آقای محسن رضایی در دبیرخانه مجمع تشخیص مسلتحت و جانشین ناجا در دوره آقای قالیباف واسطه‌های بنده بودند. آقای سالک که اکنون نماینده آصفهان در مجلس هستند هم محبت کردند و صحبت کردند.

آ نتیجه چه شد؟

آقای روح‌الامینی این وساطت‌ها را نپذیرفتند. پدر و مادرم را یک هفته با دردست‌داشتن قرآن هر روز صبح به خانه آقای روح‌الامینی می‌فرستادم، اما باز نپذیرفت. و وکیل آقای روح‌الامینی پیشنهاد دادم با توجه به اینکه موضوع کهریزک ابزار تبلیغ علیه نظام شده، بنده حاضر تمامی مسئولیت‌های شرعی، قانونی و حقوقی فوت فرزند ایشان را بر عهده بگیرم و مجازات و حتی در صورت لزوم قصاص شوم، اما از ادامه پیگیری در سطح رسانه‌ها برای حفظ آبروی نظام خودداری شود؛ اما آقای روح‌الامینی نپذیرفت.

آ چه شد که خانواده‌جوادی‌فر رضایت دادند؟

از طریق یکی از نمایندگان که اهل آمل است با خانواده جوادی‌فر تماس گرفتم و هم‌راہ چند نفر به منزل افرقتیم، دست پدرش را بوسیدم، معذرت‌خواهی کردم و اوضاع زندگی‌ام را شرح دادم. آقای جوادی‌فر با سعید مرتضوی در تهران جلسه‌ای گذاشت و بعد در دادگاه اظهار کرد «هدف از برگزاری دادگاه، خون‌خواهی از فرزندان ما نیست، بلکه احساس می‌کنم دادگاه برای تسویه‌حساب سیاسی تشکیل می‌شود؛ بنابراین من از ادامه تشکیک انصرا‌رف می‌دهم». آقای روح‌الامینی در پیگیری پرونده به‌صورت مستقل عمل نمی‌کرد، بلکه تحت تأثیر تصمیم‌های افرادی بود که آن جمع اهدافی غیر از خون‌خواهی فرزند روح‌الامینی داشتند؛ مثل برخی نمایندگان مجلس هشتم که مستندات دارم یکی از آنها درباره کهریزک بیش از ۲۰۰ مصاحبه با رسانه‌ها داشت.

آ کدام نمایاند؟

مثلاً آقای نجری.

اما فرزندش زمان بازجویی هویت خود را کتمان کرده بود، با وجود دانشجویبودن در برگه بازجویی نوشته بود دیپلم دارم و بی‌کار هستم.

آ چرا؟

برای حفظ آبروی پدرش. من به‌شخصه برای پدرش احترام قائلم و خودم را مانند محسن روح‌الامینی فرزند معنوی ایشان می‌دانم، اما رفتار آقای روح‌الامینی را در پیگیری پرونده کهریزک و شکایت علیه‌ما به این دلیل که پرونده به ابزار تبلیغ علیه نظام تبدیل شده بود، برخلاف منافع نظام می‌دانم.

آ یعنی چه؟ می‌فرمایید کسی که فرزندش کشته شده از خون او بگذرد؟!

اجازه بدهید توضیح دهم، به‌عنوان نمونه دکتر روح‌الامینی در همان سال تعدادی از اعضای خانواده دیگر کشته‌های کهریزک را نزد آیت‌الله جوادی‌آملی برد تا جلسه‌ای داشته باشند. آیت‌الله جوادی‌آملی پیشنهاد گذشت و رضایت دادند، اما آقای روح‌الامینی محتوای جلسه را مطبوعاتی کرد و به نقل از آقای جوادی‌آملی گفت: «از عاملین و مباشرین بگذرید اما از آمرین نگذرید…». همین مسئله نشان‌دهنده پیگیری سیاسی و جهت‌دار پرونده از سوی ایشان بود.

آ کجای این مسئله تبلیغ علیه نظام است؟!

بگذارید بگویم، خب ایشان از همان ابتدای اطلاع از فوت فرزندش همراه آقایان احمد توکلی و امیدوار رضایی که آن زمان رئیس کمیسیون بهداشت مجلس بود، به محل سردخانه رفتند و جسد را معاینه کردند. در آن شرایط فتنه که انتشار اخبار کشته‌شدن مردم یا زندانیان از سوی مأموران باعث تحریک مردم و تبلیغ علیه نظام بود با استفاده از رابطه دوستی خود با آقای عزت‌الله ضرغامی، خبر فوت فرزندش را رسانه‌ای کرد و به‌طور مکرر موضوع کهریزک را در رسانه‌ها زنده نگه داشت و زمینه طرح مسائل مختلف و پروپاگاندای رسانه‌ای در سطح وسیع فراهم شد.

آ یعنی هر موضوعی که ارزش خبری داشته باشد و به نوعی تلخ باشد تبلیغ علیه نظام محسوب می‌شود؟

ایشان به آن هم موضوع علم داشتند که پرونده کهریزک یکی از دلایل صدور قطع‌نامه علیه جمهوری اسلامی ایران به اتهام نقض حقوق بشر در سازمان ملل شده است.

آ تأییس از رسانه‌ای‌شدن موضوع بازداشتگاه کهریزک و آغاز واکنش‌ها اضطراب پیدا کردید؟

بله، اما چون خودم را مقصر نمی‌دانستم و حس می‌کردم انجام وظیفه کرده‌ام، نگران نمی‌بودم.

آ ظاهراً در مراحل اولیه رسیدگی قضائی به پرونده کهریزک همه‌چیز به نفع متهمان بود.

در شعبه ۱۳ دادسرای کارکنان دولت پس از حدود یک سال و نیم بررسی پرونده، درباره ما قرار منع تعقیب صادر شد. بازپرس آن شعبه حجت‌الاسلام مقدم یکی از قضات متدین، انقلابی و شناخته‌شده دستگاه قضا بود، اما پرونده با اعتراض آقای روح‌الامینی به شعبه ۱۰۶۰ کارکنان دولت ارجاع داده شد. پس از شش ماه قاضی پرونده تغییر کرد و فردی به نام «آرمایش» به ریاست شعبه ۱۰۶۰ رسید که در اولین جلسه رسیدگی به پرونده حتی مطلع نبود آقای سعید مرتضوی زمانی دادستان تهران بوده است!

آ مگر می‌شود؟

بله! پس از اینکه از او درخواست تعیین‌تکلیف کردیم اعلام کرد «من محسن روح‌الامینی را احضار و درباره پرونده از او تحقیق می‌کنم». پاسخ دادم این سه نفر فوت کرده‌اند و تازه متوجه شد معترضان به این پرونده اولیای دم هستند و در نهایت با صدور یک دادنامه ۳۶ صفحه‌ای پر از الفاظ موهن و غیرحقوقی که بریده اخبار جراید بود، قرار منع تعقیب ما را نقض کرد و پرونده به شعبه ۷۶ کارکنان دولت ارجاع داده شد.

آ علت نقض قرار قبلی چه بود؟ اعمال نفوذ شده بود؟

نقض قرار منع تعقیب ما ناشی از هیچ‌گونه اعمال نفوذی نبوده، بلکه صرفاً متکی به بی‌تدبیری و ضعف دانش آقای آرمایش، رئیس شعبه ۱۰۶۰ کارکنان دولت بود که پس از صدور آن قرار هم فوری خود را بازخیز کرد.

آ پس از اظهار تأسف مقام معظم رهبری نسبت به بازداشتگاه کهریزک و حواشی آن شما که خود را مدافع حریم ولایت می‌دانید چه حسی داشتید؟

مجسداً تأکید می‌کنم قول، فعل و نظر مقام معظم رهبری در حکم قول و فعل معصوم است و ایشان هرگونه نظر و تصمیمی که درباره این پرونده داشته باشند، به دیده منت می‌پذیریم، اما توجه کنید مقام معظم رهبری نگفتند متهمان پرونده را محکوم کنید، بلکه گفتند اگر کسی تخلف کرده به آن رسیدگی شود که همین‌طور هم شد و متهمان نظامی و قضائی پرونده کهریزک محاکمه و مجازات شدند.

آ خود را مقصر می‌دانید اما نمی‌دانم چرا حاضر به اعلام توبه نیستید.

بنده حکم صادرشده از دستگاه قضا را قبول دارم، چون به عدالت، استقلال و سلامت قوه قضائیه اعتقاد دارم. در واقع توبه به اینکده احکام قضائی فصل‌الخطاب است، صرف‌نظر از اینکه منطبق با حقیقت باشد یا نباشد باید مطیع قانون بود، اما بنده درباره پرونده کهریزک خود را بی‌گناه می‌دانم، اما به حکم قانون تمکین می‌کنم.

آ می‌خواهم بدانم رفتار خانواده کشته‌شدگان کهریزک با شما در طول روند رسیدگی به پرونده چگونه بود؟

بنده برای جلب رضایت خانواده روح‌الامینی دو نفر از سرداران سپاه و مسئولان سازمان اطلاعات سپاه را واسطه کردم.

آ واسطه‌ها چه کسانی بودند؟

آقای سردار مجید حسینی که آن زمان جانشین آقای ظائب در سازمان اطلاعات سپاه و سردار رحیمی، معاون آقای محسن رضایی در دبیرخانه مجمع تشخیص مسلتحت و جانشین ناجا در دوره آقای قالیباف واسطه‌های بنده بودند. آقای سالک که اکنون نماینده آصفهان در مجلس هستند هم محبت کردند و صحبت کردند.

آ نتیجه چه شد؟

آقای روح‌الامینی این وساطت‌ها را نپذیرفتند. پدر و مادرم را یک هفته با دردست‌داشتن قرآن هر روز صبح به خانه آقای روح‌الامینی می‌فرستادم، اما باز نپذیرفت. و وکیل آقای روح‌الامینی پیشنهاد دادم با توجه به اینکه موضوع کهریزک ابزار تبلیغ علیه نظام شده، بنده حاضر تمامی مسئولیت‌های شرعی، قانونی و حقوقی فوت فرزند ایشان را بر عهده بگیرم و مجازات و حتی در صورت لزوم قصاص شوم، اما از ادامه پیگیری در سطح رسانه‌ها برای حفظ آبروی نظام خودداری شود؛ اما آقای روح‌الامینی نپذیرفت.

آ چه شد که خانواده‌جوادی‌فر رضایت دادند؟

از طریق یکی از نمایندگان که اهل آمل است با خانواده جوادی‌فر تماس گرفتم و هم‌راہ چند نفر به منزل افرقتیم، دست پدرش را بوسیدم، معذرت‌خواهی کردم و اوضاع زندگی‌ام را شرح دادم. آقای جوادی‌فر با سعید مرتضوی در تهران جلسه‌ای گذاشت و بعد در دادگاه اظهار کرد «هدف از برگزاری دادگاه، خون‌خواهی از فرزندان ما نیست، بلکه احساس می‌کنم دادگاه برای تسویه‌حساب سیاسی تشکیل می‌شود؛ بنابراین من از ادامه تشکیک انصرا‌رف می‌دهم». آقای روح‌الامینی در پیگیری پرونده به‌صورت مستقل عمل نمی‌کرد، بلکه تحت تأثیر تصمیم‌های افرادی بود که آن جمع اهدافی غیر از خون‌خواهی فرزند روح‌الامینی داشتند؛ مثل برخی نمایندگان مجلس هشتم که مستندات دارم یکی از آنها درباره کهریزک بیش از ۲۰۰ مصاحبه با رسانه‌ها داشت.

آ کدام نمایاند؟

مثلاً آقای نجری.

ادامه در صفحه ۱۹

روزنه

- رفتار آقای روح‌الامینی را در پیگیری پرونده کهریزک و شکایت علیه‌ما به این دلیل که پرونده به ابزار تبلیغ علیه نظام تبدیل شده بود، برخلاف منافع نظام می‌دانم.
- مقام معظم رهبری نگفتند متهمان پرونده را محکوم کنید، بلکه گفتند اگر کسی تخلف کرده به آن رسیدگی شود که همین‌طور هم شد.
- درباره پرونده کهریزک خودم را بی‌گناه می‌دانم، اما به حکم قانون تمکین می‌کنم.
- بنده برای جلب رضایت خانواده روح‌الامینی دو نفر از سرداران سپاه و مسئولان سازمان اطلاعات سپاه را واسطه کردم.
- پدر و مادرم را یک هفته با دردست‌داشتن قرآن هر روز صبح به خانه آقای روح‌الامینی می‌فرستادم، اما باز نپذیرفت.
- آقای روح‌الامینی در پیگیری پرونده به‌صورت مستقل عمل نمی‌کرد.
- حکم تعلیق از قضاوت برای بنده به منزله نابودی زندگی شخصی و حیات اجتماعی‌ام بود و مسیر زندگی‌ام را عوض کرد.
- من به‌هیچ‌عنوان تصور نمی‌کردم مرتضوی دچار چنین خطراتی باشد. البته به یاد دارم در روزهای آخر حضور مرتضوی در دادستانی تهران، از طرف دولت دهم به ایشان وزارت دادگستری را پیشنهاد دادند؛ اما آقای رحیم‌منشایی با حضور مرتضوی در دولت مخالفت کرد.
- مسائلی که به فاضل لاریجانی منتسب شد، واقعیت ندارد و کذب محض است و این موضوع صحت ندارد. فاضل در این زمینه مرتکب هیچ عمل مجرمانه و سوئی نشد.
- این خود روزنامه‌نگاران بودند که مرتضوی را در موضع برخورد گسترده قرار دادند. آن شرایط اگر دوباره تکرار شود به همان شیوه سابق از موضع قانون با آنها برخورد می‌شود. البته این را هم بگویم که آن توقیف‌ها به معنای سرکوب مطبوعات نبود.
- در عید ۹۳ آقای ربیعی وزیر رفاه دستور داد از فعالیت بنده در بانک رفاه جلوگیری شود.
- مرتضی به این دلیل که در سن پایین به مقام دادستانی تهران رسید، در ابتدا تجربه لازم برای این جایگاه را نداشت.
- در فرایند فتنه سال ۸۸ حدود ۱۲۰ دستور از ۱۵۰ دستور جین‌شارپ در کتاب براندازی نرم بعینه اجرا شد. از جمله محورهای براندازی نرم، بنام‌کردن، مقابله، محاکمه و حذف عناصر مقابله‌کننده با براندازی است. من احساس می‌کنم به صورت ناخواسته و بر اثر تعلل برخی تصمیم‌گیران امر، فشار رسانه‌ای و جریان‌سازی رسانه‌ای که نقش عمده را در سال ۸۸ داشت، تمام افراد فعال علیه فتنه درگیر حواشی سیاسی و قضائی و در نهایت حذف شدند. از طرفی تمام مسئولیت‌ها عمری دارند و علی‌الدوام نیستند و قرار نیست همه تا آخر عمر مدیر باشند.
- شخص احمدی‌مقدم فاقد قدرت مدیریت راهبردی در مقابله با بحران بود. اگر افرادی مثل سردار رادان یا سردار اشتری در کنار احمدی‌مقدم مدیریت مقابله با بحران را برعهده نمی‌گرفتند، کارنامه ناجا در مقابله با فتنه مطلوب نبود.
- احمدی‌نژاد از همان شروع بحران در سال ۸۸ با درپیش‌گرفتن موضع بی‌طرفی در فکر تصاحب آرای مخالفان برای انتخابات سال ۹۲ بود. عووا به خاطر احمدی‌نژاد بود؛ اما او دنبال مخالفان بود!
- از مقام معظم رهبری و ملت ایران طلب عفو و بخشودگی دارم.

خبر

مجید انصاری:

نمی‌توانیم چشم‌روی نارسایی‌ها و آسیب‌ها ببندیم

- ایسنا:** حجت‌الاسلام مجید انصاری در اختتامیه هفتمین اردوی فرهنگی – آموزشی «طریق جاوید»، با بیان اینکه «ما به‌شدت در معرض آسیب‌های گوناگون اخلاقی قرار گرفته‌ایم»، گفت: «درست است که در کلیت یک جامعه اسلامی هستیم و نظام ما نیز نظام جمهوری اسلامی است، اما همان‌طور که امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «من نمی‌توانم دل خوش کنم که به من امیرالمؤمنین(ع) بگویند و در عرصه کشور پنهانور من، فساد و تباهی و ظلم وجود داشته باشد»، ما نیز نمی‌توانیم صرفاً به این دلیل که نظام ما نظام جمهوری اسلامی است چشم‌روی نارسایی‌ها و آسیب‌ها ببندیم؛ او ادامه داد: امروز در عرصه‌های مختلف، مانند رقابت‌های اجتماعی، فرهنگی، در زندگی شخصی، سیاسی در عرصه‌های قضائی و اجرائی و همچنین در حوزه حکومت و زندگی افراد به‌شدت دچار آسیب‌های بی‌ویرانگر شده‌ایم و با کمال تشکیف انصرا‌رف می‌دهم». آقای روح‌الامینی در حوزه استحکام خانواده و جرائم اجتماعی ناشی از بداخلاقی‌ها به چشم نمی‌خورد. انصاری همچنین گفت: یکی از ویژگی‌های امام(ره) از دیدگاه من این بود که معمای پیچیده وجود ائمه‌الطهار(ع) را برای ما حل کرد و به تعبیری امام معصوم نبود، اما تا مرزهای عصمت پیش رفت.